

به نام خدا

# سیر تطور تاریخی تعزیه در ایران

**مؤلف:**

وجیهه چوپانی

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۰

## فهرست مطالب

فصل اول: ..... ۱۲

هستان شناسی تعزیه و سیر تاریخی آن ..... ۱۲

فصل دوم: ..... ۱۳۵

سنخ شناسی تعزیه و ارکان آن ..... ۱۳۵

فصل سوم: ..... ۲۳۳

اسباب مجلس (اکسسوار) در تعزیه ..... ۲۳۳

فصل چهارم: ..... ۲۸۶

موسیقی در تعزیه ..... ۲۸۶

منابع و مآخذ ..... ۳۷۲

## مقدمه

ارتباطات و اطلاعات ابزاری مهم برای تصمیم‌گیری، تعامل بین انسانی، هویت بخشی و هویت ستاندن، جهت دهی به افکار و اندیشه‌ها و ابزاری برای سلطه است و نقش هنرهای آیینی سنتی از جمله هنر ماندگار و اصیلی همانند تعزیه که هنر ارتباطی اسلامی ایرانی محسوب می‌شود به دلیل عمق مطلب و تأثیرگذاری آن بر مخاطب بیش از پیش می‌تواند بر فکر و ذهن و روح و حتی جسم بیننده اثرگذار باشد و در این میان خود تعزیه خوان هویداست که گویی یک وسیله ارتباط جمعی زنده است.

با به وجود آمدن زندگی شهری در قرن بیستم و پیدایش هنرهای تصویری و رسانه های دیداری مانند سینما و تلویزیون سلیقه مردم این سرزمین تغییر کرده و هنرهای سنتی از جمله تعزیه وادار به عقب نشینی شده و برای بقای خود شکل و محتوای هنری خود را در رسانه، سینما و تئاتر مدرن یافتند تا تعزیه نیز در عصر جدید راه خود را در هنر تئاتر و سینما جست و جو کند.

تعزیه و تعزیه خوانی نمایش آیینی مذهبی ایرانیان است. این هنر نه از عربستان و عراق که خاستگاه دین مبین اسلام است به ایران آمده، نه از فرنگستان، ایران تنها کشور اسلامی است که نمایش تعزیه را به مقیاس جهانی آفرید.

ایرانیان شیعه در ساختن تعزیه و به نمایش درآوردن واقعه های کربلا و حدیث مصایب سیدالشهدا به سنت نمایش‌های آئینی ایرانیان قدیم و شیوه اجرای مناسک و آئین های آنان و پاره ای از عناصر اسطوره ای و حماسی سازنده نمایش‌های آئینی نظر داشته اند.

تعزیه از نظر لغت به معنی اظهار همدردی، سوگواری و تسلیت است (شهیدی، ۱۳۸۰: ص ۶۲). ولی به عنوان شکلی از نمایش ریشه در اجتماعات و مراسم یاد کرد شهادت امام حسین (ع) در ایام محرم دارد و در طول تکامل خود بازنمایی محاصره و کشتار صحرای کربلا محور اصلی آن بوده و هیچ گاه ماهیت مذهبی اش را از دست نداده است.

مضمون تعزیه رویارویی دو نیروی خیر و شر،  
اهورایی و اهریمنی است که در ظاهر نیروی شر  
پیروز می گردد، ولی پیروزی واقعی و باطنی از آن  
نیروهای اهورایی و خیر می باشد.

نمایش مصایب در تعزیه خوانی چنان شور و  
غوغایی در درون مومنان پدید می آورد که رشته  
های پیوندشان را با زندگی دنیوی می گسند و آنان  
را به فضای قدسی پر رمز و رازی که تجلی گاه روح  
مقدسان و نیاکان است می برد.

تعزیه خوانی در راستای مسجد و منبر و دور از قلم  
و عمل و نفوذ دستگاه رسمی مذهبی ایران در  
میان توده مردم شکل گرفت.

تعزیه خوانی بر مردم جامعه های سنتی - مذهبی گذشته و گروههای مذهبی سنت گرایی امروزی بیش از هر شکل دیگر مناسک و شعایر مذهبی توانسته تاثیر بگذارد. تعزیه خوانان با به نمایش در آوردن وقایع کربلا در احساسات مذهبی و روان جمعی عامه مردم را در برابر رخدادهای حزن آور کربلا بر می انگیزانند و از این طریق فلسفه حق جویی و از خود گذشتگی شهیدان حماسه آفرین تاریخ تشیع را همچون نمونه برتر در ذهن و خاطر آنان زنده نگه می دارند.

تعزیه (شبه خوانی) نمایشی آیینی است، نمایشی منظوم و موسیقایی که از دل عزاداری های شیعیان ایرانی بر پیشوای سوم خود برآمده و اعتقادات و

چگونگی نگرش ساکنان سرزمین بزرگ ایران را باز می‌تاباند. در این نمایش می‌توان پیوند اعتقادات، اساطیر و آیین‌های باستانی ایران زمین را با اعتقادات اسلامی به روشنی می‌توان مشاهده کرد و چهره پهلوانان اساطیری را در قهرمانان و شخصیت‌های تاریخ صدر اسلام، که مجالس تعزیه حول محور ایشان شکل می‌گیرد، بازشناخت. این نمایش همچون تمامی نمایش‌های آیینی و هنرهای مقدس نمایشی، نمادین است. نمایشی که درگیری ابدی خیر و شر و اهورا و اهریمن را در هیئت اولیا و اشقیا به تصویر می‌کشد. نمایشی که عوام آن را ساختند و خواص - گاه به‌ناچار - به حمایت و برکشیدنش برخاستند.



هنر ارتباطی آئینی تعزیه نمایش مذهبی مردم ایران زمین چندی است که در اثر برخورد با زندگی شهرنشینی و مدرنیزاسیون به عقب نشینی و ادار شده اما تاثیر خود را در تئاتر و سینمای مدرن ایران داشته است به طوری که کارگردانان تاثیرگذار سینمای کشور چه در زمینه تئاتر و سینما الگوپذیری خود را از آن در آثار خود نشان داده اند. مسلمانان نگاه به آیین ها و سنتهای گذشته و تاثیر آن بر رسانه ها می تواند عمل نابی به شمار آید.

با توجه به اینکه نمایش تعزیه به عنوان نمایش آئین شیعیان که در فضای فرهنگی - ارتباطی جامعه ایران بسیار پر رونق بوده امروز به تحول خود نزدیک شده است، باید به ویژگی ها و شاخص های

آن از جمله زیبایی شناسی و تکنیک های اجرایی، شکل موسیقی، نقش تماشاگر و بازیگر در اجرا پرداخت تا قدمی در شناخت این آیین ارتباطی و احیای پر صلابت آن برداشته شود. همچنین در این تحقیق علاوه بر شناخت تعزیه بر دریافت آن درسینما و تئاتر اشاره می کنیم و قابلیت های اجرایی و ظرفیت های تکنیکی آن را در هنرهای ارتباطی معاصر مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. از این رو با بررسی و تحلیل عوامل مرتبط با تعزیه، این سنت مورد کا ر علمی قرار می گیرد، باشد که در جهت معرفی آن بتوان قدم های موثری برداشت.

جابر عناصری در پژوهش های خود توانسته است نسخه های این سنت آیینی را جمع آوری کرده و

در کتاب نمایش و نیایش در ایران به این مراسم پرداخته است، اما در مورد نقش تعزیه در هنرهای ارتباطی و همچنین مقوله زیباشناسی این مراسم آئین کار پژوهشی مبسوطی دیده نمی شود که پژوهشگر با اتکا به داده های اطلاعاتی تصویری این جستجوی علمی را در جهت کاربرد این آیین ادامه می دهد. (عنصری، ۱۳۶۶)

# فصل اول:

## هستان شناسی تعزیه و سیر

### تاریخی آن

تعزیه در لغت به معنای سوگواری و بر پاداشتن مراسم عزاداری به یادبود در گذشتگان است، و در اصطلاح به نوعی نمایش آیینی و مذهبی بر اساس واقعه کربلا و شهادت امامان و وقایع دیگر مذهبی و قصه ها و داستانهای تاریخی و اساطیری و عامیانه اطلاق می شود. (شهیدی، ۱۳۸۰: ص ۶۱)

## پیدایش و پیشینه تعزیه

در چگونگی پیدایش تعزیه و نخستین تعزیه خوانیها در ایران، نویسندگان و پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی بسیار سخن گفته اند. در اغلب کتابها و مقاله های مربوط به تعزیه و تاریخ هنر و نمایش و آثار همانند دیگر، به اجمال یا تفصیل درباره این موضوع بحث و گفتگو شده است. حتی برخی از پژوهندگان نیز مطالعات و تحقیقات خود را به جنبه های تاریخی تعزیه اختصاص داده و تک نگاشته های محققانه و سودمندی در این زمینه نوشته اند. با توجه به مستندات موجود بیشتر این نوشته ها و آثار به صورت اشارات و اظهارنظرهای پراکنده و نقل قولهای تکراری و احياناً متناقض و

بر اساس حدس و گمان و احتمال است؛ چنانکه برخی تاریخ پیدایش تعزیه را مربوط به اواسط یا اواخر دوره صفویان و بعضی به دوره زندیان و گروهی به اوایل عهد قاجار می دانند. حتی بعضی از نویسندگان و تاریخ نگاران مراسم سوگواری و دسته گردانیهای دوره دیلمیان را که گویا گهگاه با شبیهی صامتی نیز همراه دسته های عزاداری بوده است، آغاز تعزیه پنداشته اند. (همان منبع : ص ۶۲)

به هر حال، با همه این مطالعات و تحقیقات هنوز هم جای یک بررسی و پژوهش منظم و مستند همچنان خالی است. بدیهی است، با توجه به محدودیت های موجود در نگارش این نوشته نمی

توان از تاریخ پیدایش این نمایش مذهبی آیینی، به ویژه ریشه ها و علل تاریخی، مذهبی، فرهنگی، هنری و اساطیری آن به تفصیل سخن گفت؛ از این رو خلاصه و چکیده فرضیه ها و آراء و نظرها را درباره پیدایش تعزیه در زیر می آوریم و همراه آن به نقاط ضعف و قوت هر یک از آنها نیز اشاره خواهد شد.

## آراء و نظرها

این بخش از سه منظر به شرح ذیل مورد بررسی قرار می گیرد:

### زمینه تاریخی

مشهورترین فرضیه ها و نظریه ها درباره پیدایی تعزیه این است که تعزیه شکل متحول و تکامل

یافته مراسم و آئین های سوکواری مذهبی است که از قرنهای اول و دوم، به ویژه قرن چهارم (دوره آل بویه) در ایران رایج بوده است. همچنین احتمال داده میشود که زمینه نمایشی این مراسم از برخی آداب و شعائر و نمایشوارههای جمعی ایران قبل از اسلام، مانند سوک سیاوش و کین ایرج و امثال آنها ریشه و مایه گرفته باشد. شاید هم بعضی از جشنها و جشنواره هاومراسم آیینی و اساطیری جامعه های کهن غرب ایران مانند حماسه گیلگمش، آدونیس، تموز و عشتار یا ایشتر در تکوین و تشکیل آن بی تاثیر نبوده باشد.

(مسکوب، ۱۳۵۴:ص ۸۰-۸۱)



ظاهراً این مراسم و تظاهرات مذهبی با رسمیت یافتن مذهب تشیع در دوره صفویان، شکل و هیئت منظم و سامان یافته‌های پیدا کرد و به تدریج با پدیده‌ها و عناصر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و هنری دیگری چون روضه خوانی، واقعه گویی، نقالی، شبیه سازی، شبیه گردانی و امثال آنها در آمیخت و سرانجام در اواخر دوره صفویان به صورت کنونی درآمد.

### نظریه های دیگر

در مقابل فرض بالا، که نظر اغلب پژوهشگران است (مسکوب در کتاب سوگ سیاوش، بیضایی در کتاب نمایش در ایران، نوشخی در کتاب تاریخ بخارا)، تنی چند از نویسندگان پیدایش تعزیه را،

بی هیچ زمینه و سابقه تاریخی، از پدیده های دوره صفویان میدانند و جمعی دیگر نیز بر این باورند که تأثرها و نمایشهای مذهبی و یا غیر مذهبی اروپا و حتی کشورهای چون هندوستان و چین در پیدایی آن بی تاثیر نبوده اند. اینک خلاصه هر یک را در زیر می آوریم:

۱ - تنکابنی مینویسد: «تعبیه (یعنی تعزیه) از مخترعات صفویه است و چون ظهور مذهب تشیع در ممالک ایران از ضرب شمشیر سلاطین صفویه شد و ذاکرین را مأمور به انشاد مصیبت حضرت سیدالشهداء (ع) نمودند، مردم چندان گریه نمی کردند، زیرا هنوز در مذهب راسخ الاعتقاد نبودند، پس تعبیه را اختراع نمودند که شاید مردم از

مشاهده مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام متألم و موجب رقت قلب شود. لفظ تعبیه نیز به معنای اختراع است، و این تشبیه در ازمنه سابقه بالاتفاق وجود نداشته و علماء را در جواز آن خلاف است...» (تنکابنی، قصص العلماء: ص ۳۰)

گذشته از موارد سست و ضعیف نظر نویسندگان درباره سابقه مذهب شیعه در ایران باید دانست که اولاً وی هیچ سندی برای اثبات نظر خود به دست نداده است. ثانیاً توضیح نمیدهد که کدام یک از شاهان صفوی تعزیه را به گفته او اختراع کرده اند. گرچه از فحوی سخنش چنین برمیآید که این واقعه گویا در زمان شاه اسماعیل یا یکی دو تن از جانشینان او روی داده است. اما تا آنجا که از

مستندات بر می آید در هیچیک از منابع تاریخی، به خصوص سفرنامه های اروپائیان که درباره این مراسم به تکرار و تفصیل سخن گفته اند، اشاره ای به تعزیه و شبیه خوانی نشده است. ثالثاً وی بر خلاف برخی دیگر از علمای مذهبی، با تعزیه و شبیه مخالف بوده و حتی رساله مفرد و مستقلی نیز در این باب نگاشته است. در هر حال به نظر او نمی توان اعتماد کرد. (شهیدی، ۱۳۸۰: ص ۶۴)

۲ - مایل بکتاش به صورتی بسیار مجمل و تردید آمیز و به نقل از رساله مواکب حسینیة ، ۱۳۷۵ هـ. ق. اختراع تعزیه را در دوره صفوی دانسته و به مرحوم ملامحمدباقر مجلسی نسبت داده است. می نویسد : «حتی روایت است، اول کسی که تأسیس

اساس شبیه و تشبیه واقعه کربلا را نمود،  
محمدباقر مجلسی، متوفی سنه ۱۱۱۱ قمری و در  
اواخر صفویه بود».

نویسنده در درستی و نادرستی این روایت هیچ  
اظهار نظری نکرده است و به علاوه معلوم نیست  
دلیل و سند مآخذ اصلی یعنی رساله مواکب  
حسینیه چه بوده است. به هر حال تحول و تکامل  
تدریجی تعزیه و تعزیه خوانی ظاهراً خلاف این  
فرض را نشان می دهد. (همان: ص ۶۴)

۳ - در زمان شاه عباس صفوی مسیحیان و ارامنه  
جلفا هر ساله برخی از تئاترهای مذهبی اروپا  
(مانند میسترپلی و میراکل پلی و...) را در اصفهان  
نمایش میدادند، چون شاه عباس این گونه نمایش

ها را برای ترویج مذهب و اعمال سیاست خاص خود پسندید، دستور داد واقعه کربلا را نیز به همان صورت به نمایش درآوردند و تعزیه از آن زمان آغاز شد. (همان: ص ۶۵)

نویسنده این مقاله نیز هیچ سند و مدرک به دست نداده است. نحوه تکوین و شکل گیری و سیر تحول تعزیه هم که بعداً درباره آن سخن خواهیم گفت، نشان می دهد که این نمایش مذهبی طی سالها به تدریج پدید آمده است.

۴ - برخی از نویسندگان و محققان، این قضیه (یعنی تقلید و اقتباس تعزیه از غرب) را به زمان کریم خان زند مربوط میدانند، نخستین کسی که به این مورد اشاره کرده ، نصرالله فلسفی است که

به نقل از کتاب انقلاب اسلامی مینویسد: «بر پا ساختن مجالس تعزیه از زمان کریم خان زند متداول شد، نوشته اندکه در عهد وی سفری از فرنگستان به ایران آمد و در خدمت آن پادشاه شرحی در تعریف تئاترهای حزن انگیز بیان کرد و کریم خان پس از شنیدن بیانات وی دستور داد که صحنه هایی از وقایع کربلا و سرگذشت هفتاد و دو تن ساختند و از آن حوادث غم انگیز مذهبی نمایشهایی ترتیب دادند که به تعزیه معروف گشت» (فلسفی، ۱۳۶۵:ص ۱۰) بعدها بعضی از نویسندگان در آثار خود به این خبر اشاره و استناد کرده اند. (مشحون، ۱۳۶۷:ص ۳۴) کتاب انقلاب الاسلام بین الخاص و العام که نصر الله

فلسفی از آن خبر بالا را نقل کرده ، نسخه ای است  
خطی از نویسنده ای به نام محمد عارف بن حاج  
محمد شریف، معروف به «اسپناچی پاشازاده» که  
در دوره قاجاریه می زیسته است.

موضوع کتاب اساساً درباره تاریخ صفویان و مقداری  
هم درباره تاریخ افشاریان و زندیان است؛ اما خبری  
که از این واقعه می دهد با آنچه فلسفی ذکر کرده  
است اندکی تفاوت دارد او نمی گوید : «سفیری از  
فرنگستان به ایران آمد»، بلکه می گوید: «... در  
زمان کریم خان زند سفیری از ایران به فرنگستان  
رفت». به هر حال چون مولف کتاب انقلاب اسلام  
ظاهراً با تعزیه و شبیه خوانی چندان موافق نبوده و



خواسته است اساس آن را غیر اسلامی بنماید نمی  
توان به نظر او اعتماد کرد.

۵ - در اوایل دوره قاجار که روابط سیاسی ،  
اقتصادی و فرهنگی ایران با اروپا گسترش یافت و  
مسافران و نمایندگان از ایران به اروپا، به خصوص  
به روسیه و کشورهای اروپای شرقی، می رفتند و  
نمایش ها و اپرا ها و تئاترهای اروپایی را می  
دیدند، پس از بازگشت به ایران تعزیه را به تقلید یا  
اقتباس از غرب به وجود آوردند، بنابراین باید گفت  
که تعزیه در اوایل دوره قاجار پدید آمده  
است.(محبوب،تاثیر تئاتر اروپایی و نفوذ روش های  
نمایشی آن در تعزیه:ص۱۸۵)این فرض نیز با توجه

به عللی که در قسمت ارزش و اعتبار آراء ذکر خواهیم کرد به نظر نادرست است.

۶ - جمعی دیگر از صاحب نظران به جای نمایشگاه های اروپایی، نمایشهای هندی را در پیدایش و شکل گیری تعزیه تا اندازه های موثر دانسته اند. اینان می گویند در دوره صفویان و شاید هم پیش از آن، مسافران و سیاحان و بازرگانانی از ایران به هند رفته اند و یا از هند به ایران آمده اند. احتمالاً همراه با کاروان های بازرگانان، گروهی بازیگر هندی به ایران آمده و پرداختن واقعه کربلا در قالب نمایش شده است. همچنین برخی دیگر از این صاحب نظران از تاثیر احتمالی نمایش چین بر تعزیه سخن گفته اند. (تبریزی، ۱۳۶۶:ص ۷۴)

این فرضیه ها و نظریه ها نیز ظاهراً مبتنی بر روایات شفاهی و یا حدس و احتمال و قیاس است و برای اثبات آن سند و مدرکی در دست نیست. گرچه از پاره ای قرائن و شواهد بر می آید که در دوره صفویان و قبل از پیدایش تعزیه، گونه ای اشعار نمایشی درباره واقعه کربلا، به زبان اردو یا تلفیقی از فارسی و اردو وجود داشته که تا اندازه ای در اشعار و ادبیات تعزیه بی تاثیر نبوده است، لیکن به هر حال این وقایع و این تاثیرات سطحی و احتمالی است و به فرض وقوع و تحقق ، عامل اصلی پیدایش تعزیه در ایران نتواند بود. شاید اجمالاً بتوان گفت علل و عوامل فرهنگی و تاریخی پیدایش و رشد و گسترش تعزیه در مناطق شمالی

و جنوبی ایران متفاوت بوده است و این مسئله ای است که به مطالعات و تحقیقاتی گسترش تعزیه در مناطق شمالی و جنوبی ایران متفاوت بوده است و این مسئله ای است که به مطالعات و تحقیقات گسترده نیاز دارد .

### *ارزش و اعتبار آراء و نظرها*

با توجه به مدارک و اسناد موجود و بررسی شده جز فرضیه نخست که تعزیه را پدید آمده از ترکیب و تحول مراسم سوکواریهای مذهبی می داند، سایر فرضیه ها پایه و اساس درستی ندارند. ما قبلاً ضمن بیان هر یک از آنها به نقاط ضعف اسناد و دلایل کسانی که آن فرضیه ها را به نحوی پذیرفته

اند اشاره کردیم؛ اکنون نیز دلایلی چند در اثبات نادرستی اساس آن نظرها در زیر می آوریم:

۱- بنابر مدارک تاریخی و گزارشهای سفرنامه ها تعزیه از اواخر عهد صفویان به تدریج شکل گرفته و تقریباً به صورت کامل از زمان زندیان در ایران رایج بوده است. لذا نظر آن دسته از نویسندگانی که پیدایی تعزیه را در دوره قاجار میداند به کلی نادرست است.

۲- اساس نظر کسانی که تعزیه را از ابداعات شاهان صفوی یا علمای دوره صفویان و یا تقلیدی از غرب در آن زمان میدانند جز حدس و گمان و فرض چیز دیگری نیست. برخی از آن ظاهراً به سبب مشابهتی که تعزیه های نخستین با تعزیه

های اروپایی (میراکلپی، میستری پلی و ...) داشته  
است چنین فرضی را به میان آورده اند. شک  
نیست که در میان سنتها و آیین های ملل و  
جوامع مختلف جهان پاره ای عناصر مشترک و  
همانند وجود دارد؛ و باز هم تردید نیست که در  
جریان تاریخ و روابط ملت ها ممکن است گاهی  
فرهنگی از فرهنگ دیگر را در مواردی تاثیر  
پذیرفته باشد، اما هیچ یک از اینها دلیل آن نیست  
که یکی را معلول و برخاسته از دیگری بدانیم، مگر  
آن که اسناد و دلایل و شواهد مسلم تاریخی در  
دست داشته باشیم که در مورد تعزیه دیدیم چنین  
نیست، به هر حال با استدلال و قیاس تمثیلی نمی  
توان درستی و نادرستی یک واقعه تاریخی را اثبات

کرد. علاوه بر اینها اگر تعزیه در اوایل یا اواسط دوره صفویان در ایران رایج بود (چه از نمایش مذهبی غربیان تقلید شده بود و چه شاهان صفوی آن را اختراع کرده بودند) مسافران و سیاحان اروپایی که در سفرنامه های خود حتی جزئیات مراسم مذهبی محرم را شرح داده اند، از تعزیه و شبیه خوانی نیز یاد می کردند. در صورتی که آنان فقط از اشکال ابتدایی و عناصر زمینه ساز تعزیه سخن گفته اند. این نظر نیز که برخی از علمای مذهبی مانند علامه مجلسی تعزیه را اختراع کرده اند، بیشتر روایات شفاهی تعزیه خوانان است و مستند به سندی نیست.

۳- اما از نظر کسانی که پیدایش تعزیه را مربوط به دوره زندیان، و تقلیدی از نمایشهای اروپایی می دانند به دلایل زیر نادرست است: اولاً مأخذ این گروه، کتاب انقلاب اسلام است که گفتیم نویسنده آن ظاهراً با تعزیه و شبیه چندان موافق نبوده است، ثانیاً وی که در دوره قاجار می زیسته، خبر را به صورت نقل قول می آورد و برای گفته خود سندی به دست نمیدهد، میگوید: «بعضی از صاحبان خبر برآنند که در زمان کریم خان زند از برای امری سفیری به فرنگ فرستاده شد، سفیر که از فرنگ عودت کرد، در حضور کریم خان از تئاترهای فرنگ حکایتها گفت ، کریم خان نیز فرمود اول شبیه هفتاد و دو تن را در آورند و این



در ایران شیوع یافت...» ثالثاً بنا بر گزارش برخی از سیاحان و مسافران اروپاییدر زمان کریم خان زند تعزیه تقریباً در همه جای ایران، از جمله خارک و رشت، رایج بوده است و این ممکن نیست مگر آن که زمینه و مقدمات کار تعزیه خوانی از سالها پیش فراهم شده باشد.

به علاوه چگونه ممکن است مردم مذهبی و سنت گرای آن زمان یک پدیده نوظهور غربی را بدون هیچ سابقه ذهنی بپذیرند؟ رابعاً در اواخر قرن هجدهم یعنی مقارن با پادشاهی کریمخان زند اجرای نمایشهای مذهبی در میدانها و جلوی کلیساهای جامع اروپا عمومیت و رواج چندانی نداشته است، تا هر مسافر و تازه واردی آنها را دیده

باشد. خامساً گذشته از اینها وجود تعزیه های سیار و ثابت و میدانی - گرچه به شکل ابتدایی آن - در دوره افشاریان و اواخر عهد صفویان هر گونه شک و تردیدی را از میان می برد و نشان می دهد که این نمایش قبل از زندیان در ایران ریشه و سابقه داشته است.

۴- بنجامین، نخستین وزیر مختار آمریکا در ایران که در سال ۱۳۰۲ هـ ق شاهد تعزیه خوانی در تکیه دولت بوده است. درباره پیشینه تعزیه در ایران مینویسد: «در حقیقت فکر این که واقعه کربلا و حواشی آن به صورت نمایش تراژدی و تاثر انگیز به نام تعزیه در روند بعد از دوران صفویه پیدا شده و این کار به تدریج صورت عملی به خود

گرفته است و به طوری که یکی از دانشمندان و  
مطالعین ایران به من گفته اند تعزیه کنونی که در  
ایران خوانده می شود، نتیجه سالها تحول و تکامل  
است و چیزی نبوده که یک مرتبه به خاطر کسی  
رسیده باشد. این تعزیه یا نمایش مذهبی هنوز هم  
نواقص زیادی از نظر چگونگی اجرا دارد که باید  
بعدها به تدریج برطرف  
شود. (بنجامین، ۱۳۶۷:ص ۲۸۲) از گفته های  
بنجامین دو نکته استنباط می شود: نخست این که  
تعزیه یک پدیده تدریجی و پویا و متحول بوده  
است. دوم اینکه بر خلاف آنچه برخی از صاحب  
نظران گفته اند، تعزیه در اوایل دوره قاجار و یا  
حتی در دوره زندیان به تقلید از تئاتر غرب پدید

نیامده است به هر حال اگر چنین بود، آن ایرانی مطلع که از تاریخ آغاز تعزیه خوانی در اوایل قاجار یا دوره زندیان بهتر از ما آگاه بوده، تقلیدی بودن تعزیه را می دانست و نمی گفت تعزیه به تدریج پدید آمده است.

۵- صرف نظر از نبود مدارک و شواهد تاریخی روشن و مسلم - دال بر تقلید یا اقتباس تعزیه از غرب - نظر یکی دو تن از صاحب نظران نیز شایسته تأمل است. مثلاً جنتی عطائی مینویسد: اولاً در خلال قرون ۱۷ و ۱۸ تماس اروپائیان با ایران سطحی تر از آن بود که بتوانند تا این اندازه بر اعتقادات مذهبی و آداب دینی ایرانیان اثر کند. ثانیاً در همان زمان که تعزیه خوانی در ایران

توسعه می یابد (قرن ۱۸) نمایش مذهبی تبتی ها بر زمینه مذهب بودا نیز بسط پیدا می کند. مسلم است که در اواسط قرن ۱۸ هیچ نفوذ اروپایی نتوانسته بود در تبت جای گیرد و هیچ نمایندگی مذهبی خارجی هم نتوانسته بود در آن کشور پای گذارد. مع ذلک یک نمایش مذهبی بر زمینه «بودائیسزم» بسیار زیبا و موثر توسعه پیدا کرد. ثالثاً اگر نفوذ اروپا الهام بخش تیاتر مذهبی مناطق آسیایی، از جمله ایران، است چرا کشورهای که قبل از همه پای اروپاییان بدان جا باز شد، مثل مراکش، مصر و ترکیه از این نفوذ تئاتر مذهبی برخوردار نشدند؟ و برای چه نفوذ مسیحیت اروپا فقط به شکل ذن (ZEN) در ژاپن و تعزیه در ایران

ثمر خود را بخشیده است. رابعاً اساساً تمدنها در برخی از مراحل رشد قادرند که جرم یک تئاتر مذهبی را که به مرور تبدیل به یک تئاتر غیر مذهبی می شود بدون قبول هیچگونه نفوذ و قرض گیری از بیگانگان در جامعه خود به وجود آورند. همچنین استاد عبدالحسین زرین کوب در انتقاد از کتاب از صبا تا نیما، نوشته یحیی آرین پور می نویسد «درباره تعزیه ... می توان پیدایش آن را به تحول روضه خوانی و نفوذ بعضی عناصر رسوم عزاداری دیلمیان منسوب کرد. تصور این که تعزیه از بعضی نمایشنامه های مذهبی اروپایی و در عهد صفویان به وجود آمده باشد چندان مقبول به نظر نمی رسد و تحول آن از مراسم روضه خوانی بیشتر

قابل قبول است. استاد زرین کوب به دنبال این مطلب در حاشیه می نویسد : «بین تعزیه ما با بعضی نمایشهای دینی اروپایی البته مناسبت‌هایی هست، اما تصور تقلیدی بودن تعزیه از آنها با توجه به روابط صفویه با اروپایی ها و طرز تلقی مسلمین از آداب و رسوم نصارا قابل قبول نیست ...» (زرین کوب، ۱۳۵۳ : ص ۲۹۸).

## روند تکوین و تحول تعزیه

همچنان که گفته شد تعزیه به احتمال نزدیک به یقین از ترکیب و تحول مراسم و سنت ها و نمایشواره هایی چون روضه خوانی، نقالی، فضایل خوانی، مناقب خوانی، شبیه سازی در دسته ها و نظایر آن پدید آمده است. با بررسی گزارشها و

سفرنامه های سیاحان غری و نیز مشاهده و تدقیق و تأمل در آیین ها و مراسم سوکواریهای مذهبی در مناطق مختلف ایران، می توان مراحل تکوین و تحول تعزیه را به اختصار به شرح زیر بیان کرد.

### دسته های عزاداری

در ابتدا دسته ها و جماعت عزادار در کوچه ها و بازارها به راه می افتادند و با سینه زدن و نوحه خواندن و نواختن سنج و برخی از سازهای ساده موسیقی و حمل علم و علامت و امثال آن و نیز هم سرایی و هم آوازی در خواندن نوحه، فاجعه کربلا را یادآوری می کردند. برگزاری این گونه مراسم و تظاهرات مذهبی، چنان که می دانیم از دوران بوئیان - و حتی پیش از آن - در ایران معمول شده